

قطعات توربین شهریار «نگاهی از درون»



داوود رحمتی

مقدمه

گزارشی که در پی خواهد آمد آشنایی با شرکت قطعات توربین شهریار، شناسنامه ی آن نیروی انسانی، دستگاه ها، تجهیزات و اعتراضات اخیر کارگران این واحد صنعتی است. این گزارش با همکاری چند نفر از کارگران شاغل و بازنشسته ی صنعت برق گردآوری و تدوین شده است. امید است بتواند کارگران دیگر واحدهای تولیدی و بخصوص صنایع نیرو گاهی را با این مجموعه آشنا کرده و برگی دیگر بر کتاب قطور تجربه و تاریخ اعتراضات کارگری در ایران بیفزاید تا شاید این تجارب در اعتراضات و مبارزه ی سایر کارگران در نیل به تحقق مطالبات خود به کار آید.

با مطالعه ی این گزارش درمی یابیم که اعتصاب اخیر کارکنان این شرکت و دستیابی به بخشی از مطالبات خود از عمل آگاهانه و اتحاد و یکپارچگی آنان سرچشمه می گیرد. نتیجه ی اعتصاب اخیر و اعتراضات چند سال گذشته ی کارگران این شرکت به بار نشستن خواسته ها و مطالبات آنان بود، ولی تا دستیابی به راه حلی قطعی برای به یک زندگی انسانی، بدون دغدغه ی نان برای خود و خانواده شان، بدون نگرانی از سفره خالی فردا، بدون نگرانی از آینده ی اجتماعی فرزندانشان و ... فاصله داشت و دارد. پر کردن این فاصله با

تجربه اندوزی از حرکات گذشته و درس آموزی از آنها در آینده و نیز آگاه شدن به ساز و کارهایی که زندگی ما کارگران را به این فلاکت و سیه روزی انداخته است ممکن خواهد شد.

در این اعتصاب کارگران آموختند که مشکل اصلی زندگی آنها و تغییر در شرایط معیشت شان تنها در تغییر مدیران و یا حتی تغییر سهامداران و واگذاری شرکت نخواهد بود. آنچه که زندگی شان را بدین سیه روزی کشانده رابطه ای است که در آن کارگران، نیروی کار خود و به واقع هستی خود را در مقابل مزد می فروشند. تمام تلاش آنان معطوف به تامین لقمه نان بخور و نمیری است که تنها باعث می شود توان کار روز بعد را برای به چرخش در آوردن چرخ های صنعت داشته باشند.

این رابطه اجتماعی و واقعی به سان هیولایی بر جان و مال آنان سایه افکنده، مانند خفاشی خون آنان را می مکد و هر روز نحیف ترشان می کند. آگاهی یافتن از این ساز و کار، پیچیده تر از کار با دستگاه هایی که با آنان توربین ها را تعمیر می کنیم، ارزش آفرینی می کنیم، جان دوباره به سرمایه ی در حال مرگ می دهیم، نیست.

گرفتن مطالبات مان، ابزارهایی لازم دارند. آگاهی، سازماندهی و تشکل، ابزار های نیل به خواسته هایمان است و بدون اینها، مطالباطمان به حداقل هایی خواهد رسید که تنها مسکنی برای دردها و آلام هایمان خواهد بود.

در این سال ها و به ویژه در این اعتصاب یک ماهه دریافتیم که اداره ی کار- که به نادرست نهادی در خدمت کارگران تبلیغ می شود- مجری قوانین سرمایه است و بر اساس این قوانین، سلطه ی سرمایه بر ما جاری می شود و ما کارگران همچون پیچی از ابزار تولید، بی اختیار به فرمان سرمایه عمل می کنیم. قوانین کار می گوید اعتصاب حرام است و در دیگر کشورهای سرمایه داری نیز می گویند اعتصاب ممنوع است. ما کارگران به اتکای نیروی خود آن را حلال کردیم و کارگر اروپایی آن را مجاز کرد. اعتصاب لحظاتی است که کارگر به فرمان خود وارد عمل می شود. قید و بند های سرمایه را می گسلد. آنجاست که سرمایه از این نیروی رها شده از قید سرمایه، وحشت کرده و خواستار مذاکره با کارگران می شود و به بخشی از مطالبات کارگران تمکین می کند. کارگران توربین شهریار هم با توجه به توانشان و نداشتن حمایت دیگر کارگران، به همین بخش از مطالبات شان اکتفا کردند. اما مساله ای که ذهن بیشتر کارگران و به ویژه کارگران پیشرو را به فکر وا می دارد این موضوع است که چرا سایر کارگران صنعت برق بخصوص کارگران

شاغل در این منطقه صنعتی علیرغم اطلاع از اعتصاب کارگران قطعات توربین شهریار، با آنها همراه نشدند. البته این معضل صرفاً مربوط به کارگران صنعت برق نمی‌شود، بلکه معضل جنبش کارگری است که مبارزاتش پراکنده و تدافعی است. فضای سرکوب موجود باعث شده که هزینه بر بودن مبارزه‌ی کارگری مفروض باشد. با صرف توجه به چتر استبداد سرمایه بر طبقه نمی‌توان، مبارزه را به فردا‌های دور موکول کرد. بلکه همین مبارزات کارگران توربین شهریار، گرچه نتوانست حمایت عملی دیگر کارگران صنعت برق را به مبارزه برای مطالباتی که به نوعی مطالبه‌ی خودشان و دیگر کارگران نیز بود بکشاند، اما اطلاع‌رسانی خوبی انجام گرفت. ارتباطی کم و بیش بین بخش‌های مختلف کارگران صنعت برق به وجود آمد که می‌توانیم با پیگیری و بازسازی و تکثیر این ارتباطات، کلنگ همبستگی کارگران را به زمین بزنیم. شاید برای شروع کار ایجاد ارتباط بین شرکت‌های مختلف، مثلاً صنعت برق، پی‌ریزی اتحاد حلقه‌های مختلف صنعت برق باشد و شاید هم مطالعه‌ی همین گزارش‌های شروعی باشد برای ارتباط بین کارگران شرکت‌های مختلف صنعت برق و راه‌های دیگری که شما خوانندگان پیشنهاد می‌کنید. در هر صورت این معضل جنبش کارگری است و ما کارگران هستیم که باید برای از میان برداشتن این معضلات به همفکری با یکدیگر بپردازیم.

تاسیس و شکل گیری

شرکت قطعات توربین شهریار از نظر نام و ساختار کنونی در بین واحدهای تولیدی (صنعتی) کشور، تقریباً جوان و نوپاست. در دهه ی ۶۰ شرکت توانیر واحدی صنعتی را تحت عنوان **تعمیرات اساسی توربین گازی**، ایجاد کرد و در ابتدای دهه ی ۷۰ این واحد که تا حدی توسعه یافته بود به عنوان معاونت ساخت و بازسازی قطعات توربین و به عنوان زیر مجموعه ی شرکت توسعه ی صنایع نیروگاهی فعالیتش را ادامه داد.

در راستای مباحث مربوط به خصوصی سازی در سال ۸۰-۷۹، شرکت توسعه ی صنایع نیروگاهی که متولی تعمیر و نگهداری نیروگاه های سراسر کشور بود، به شرکت های کوچک تر با زمینه های کاری تخصصی تری تقسیم گردید و بدین گونه تعمیرات و بازسازی توربین های گازی نیروگاه های کل کشور به این شرکت که از این پس به نام **قطعات توربین شهریار** خوانده شد، واگذار گردید. در دهه ی ۷۰ تعمیر قطعات داغ توربین های گازی اساساً فن آوری جدیدی در جهان به شمار می رفت. شرکت های معدودی در جهان توانایی لازم جهت انجام فرایند بازسازی و تعمیر توربین های گازی را دارا بودند که از قطعات توربین شهریار پس از تثبیت تحت عنوان یک شرکت مستقل در سال ۸۰، به عنوان چهارمین شرکت در این صنعت در جهان و اولین در خاور میانه یاد شده است. شاخص های این رتبه بندی شامل دانش و تخصص نیروی انسانی و نیز دستگاه ها و تجهیزات موجود در کارگاه های این شرکت می باشد که بارها در بولتن ها و اسناد شرکت توانیر و آمار منتشره از سوی مسئولین صنعت برق بر این امر تاکید شده است. قطعات

توربین شهریار در زمینی به مساحت ۵۰،۰۰۰ متر مربع در کیلومتر ۷ جاده ی ملارد کرج واقع شده است که منطقه ای صنعتی است و عمده شرکت هایی که در زمینه ی ساخت و تعمیرات تجهیزات نیروگاهی فعالند در این منطقه و در بلواری به نام مینا مستقرند. همسایگان این شرکت به تمامی شرکت های موسوم به گروه مینا هستند که بزرگ ترین پیمانکار ساخت و احداث نیروگاه در کشور و به نوعی در خاورمیانه می باشند و به همین دلیل نام این منطقه صنعتی بر گرفته از نام مینا است. سهام دار عمده این شرکت در ابتدا شرکت تعمیرات نیروگاهی بود که وابسته به توانیر است و بعد ها ۲۰٪ سهام شرکت به گروه مینا واگذار شد. فن آوری بکار گرفته شده در این شرکت به تمامی انحصاری بوده و در زمان ریاست جمهوری رفسنجانی از شرکتی هلندی به نام "البار" در قالب قراردادی سنگین و پر هزینه خریداری گردید.

نیروی انسانی

شرکت قطعات توربین شهریار، در حال حاضر ۲۵۰ نفر نیروی انسانی دارد که ۲۲۰ نفر پرسنل شرکت و ۳۰ نفر از طریق شرکت های پیمانکاری مشغول به کارند.

هنگام شکل گیری شرکت و امضای قرارداد انتقال دانش فنی با شرکت "البار" ، توافق شد که هم زمان با خرید و نصب و راه اندازی تجهیزات که طی چهار مرحله انجام می پذیرفت، تعدادی از مهندسین و کارگران شرکت برای آموزش به هلند اعزام شوند. این دوره های آموزشی، گاه تا

چندین ماه طول می کشید. بر این اساس می توان گفت که بخش عمده ای از کارگران و مهندسين شرکت حداقل در یک دوره ی آموزشی خارج از کشور شرکت کرده اند. نیروی انسانی شرکت با توجه به نوع کار و نیز زمینه ی فعالیت خود شرکت، طبعاً نیرویی جوان هستند و سطح تحصیلات کارگران عموماً فوق دیپلم است.

یکی از مواردی که در بحث نیروی انسانی شاغل در قطعات توربین کاملاً به چشم می خورد، دانش و تخصص بسیار بالای کارگران و مهندسين شرکت است به نحوی که در مواقعی، شرکت های فعال دیگر در زمینه ی بازسازی توربین های گازی از تجربه و دانش کارگران و مهندسين این شرکت استفاده می کنند. یکی از اصلی ترین مسایلی که نیروی انسانی شرکت با آن روبروست، موضوع قرارداد های موقت است. کارگران معتقدند در شرکتی که کارگزارانش در سایه دانش تخصصی خود آنچنان ارزش افزایی دارند که مسئولین صنعت برق از این شرکت تحت نام چشم و چراغ توانیر و ویتترین صنعت برق ایران یاد می کنند نمی بایست کارگر دغدغه ی تمدید قرارداد کاریش را داشته باشد. در ادامه و در بخش اعتراضات کارگری به این موضوع بیشتر خواهیم پرداخت.

تجهیزات و ابزار تولید

به دلیل اینکه فرایند بازسازی قطعات توربین گازی، عملیاتی ویژه و تخصصی است، بالطبع دستگاه ها و تجهیزات موجود در کارگاه های این شرکت نیز

عملکرد های خاص دارند و شاید به همین دلیل نام و مشخصات آن ها برای سایر صنایع آشنا نباشد.

تجهیزات موجود در کارگاه ها در زمان خود پیشرفته ترین تجهیزات این صنعت در جهان بودند که با هزینه های هنگفت خریداری، نصب و راه اندازی گردیدند، در سال های اخیر به دلیل شرایط تحریم، خرید لوازم یدکی آن ها دچار مشکل شده است و نیز برخی از آن ها که نیازمند روز آمد شدن هستند، بعضا خطوط تولید را دچار مشکل کرده اند. درمقاطعی از سوی شرکت های دولتی دیگر و به خصوص کارخانجات نظامی، پیشنهاد استفاده ی مشترک از تجهیزات شرکت صورت گرفته است که بعضا نیز مورد موافقت مدیران قبلی شرکت واقع شده و اجرایی شده است. از دستگاه های انحصاری موجود در این شرکت می توان از دستگاه پوشش در خلاء (APS) و نیز دستگاه پوشش دهی در فشار پایین (LPPS) و نیز دستگاه سنگ خزشی نام برد. تجهیزات موجود در این شرکت در زمان انعقاد و اجرای قرارداد با شرکت «البار» با ارز دولتی و با قیمت های هنگفتی خریداری گردید و همانگونه که از قبل ذکر شد، تامین قطعات و مواد اولیه مورد نیاز این تجهیزات و بطور کلی خطوط تولید شرکت با توجه به شرایط تحریمی و نیز لحاظ نمودن این موضوع که مواد اولیه مصرفی در این شرکت تماما" ساخت امریکا و یا اروپا می باشند به معضلی تبدیل شده که به همراه مسایلی دیگر نظیر محدودیت نقدینگی شرکت را تا آستانه تعطیلی پیش برده است.

اعتراضات کارگری

قطعات توربین شهریار سه دوره ی مدیریتی را به خود دیده، که هر یک از آنها متناسب با شرایط کار و فضای عمومی شرکت اعتراضاتی را از سوی نیروی کار با خود به همراه داشته است.

نخستین مدیر عامل مجموعه، فردی بود به نام چراغچی که بخش عمده ی توسعه ی شرکت در زمان مدیریت او صورت گرفت. پائین بودن نرخ ارز، استفاده از منابع دولتی، بودجه ی تخصیص یافته از سوی توانیر و امکان تامین مواد اولیه و لوازم یدکی از اروپا و حتی امریکا از جمله عواملی بودند که رشد شرکت در آن مقطع را تسریع بخشید و شاید به غلط در میان کارگران، این دوران به نام دوره ی طلائی چراغچی نام گرفت. پرداخت به موقع حقوق، پرداخت پاداش های متنوع، کمک های غیر نقدی و برگزاری دوره های آموزشی خارج از کشور را می توان از عواملی نام برد که این ذهنیت را دامن می زد. کارگران در این دوران حرکت اعتراضی مشخصی نداشتند و اعتراضات تنها محدود بود به شکایات فردی نسبت به اخراج هایی که به صورت موردی اتفاق می افتاد و آنها هم عمدتاً از طریق اداره ی کار کرج پیگیری می شد. در اواخر مدیریت چراغچی شایعاتی در سطح شرکت پخش شده بود که خبر از شکل گیری شرکتی جدید با موضوع کار مشترک با قطعات توربین شهریار و با حضور چراغچی و برخی مدیران رده بالای این شرکت در آن می داد. دستیابی به اسناد فنی و انحصاری فرایند بازسازی قطعات توربین و دخالت مستقیم در مناقصه ها، رانتی را برای چراغچی و برخی مدیران ارشد شرکت فراهم آورده بود که در قبل آن سود های باد

آورده ای را برایشان رقم زد. همچنین چراغچی تعدادی از بستگان درجه یک خود را در پست های کلیدی شرکت به کار گمارد که در موارد بسیاری عامل اختلاس و سوء استفاده های مالی در مناقصه ها و مزایده های شرکت شدند. کارگران بصورت پراکنده به این شرایط اعتراض می کردند. در یکی از روز ها در همان مقطع، اعلامیه هایی در سطح شرکت و به خصوص در پارکینگ خودروها پخش شده بود که مضمون آن اعتراض به سوء استفاده ی چراغچی و مدیران وی از شرایط کاری شان بود. این امر که اخبار و اطلاعات آن در سطح وسیعی انعکاس یافت از عواملی بود که شرکت توانیر را به فکر تغییر مدیر عامل انداخت و در نهایت چراغچی و دوران به اصطلاح طلایی اش پایان یافت. پس از چراغچی در سال ۸۸ فردی به نام اولادی، که قبلا رئیس نیروگاه قم بود به سمت مدیر عاملی شرکت منصوب شد. دوران اولادی دوران فترت و شروع سراشیبی سقوط شرکت به لحاظ تولید و سطح زندگی کارگران بود که بالطبع شروع اعتراضات کارگران را به همراه داشت. اولادی در ابتدا سعی کرد که با کارگران رابطه ای دوستانه ایجاد نماید و هر جا که فرصت سخن پیدا می کرد، اظهار می داشت که تمام شرکت و بخش های اداری در خدمت کارگران و خط تولید هستند. خط تولید خط مقدم جبهه است و می بایستی همه در خدمت واحد های فنی و کارگران خط تولید باشند.

حذف تدریجی امکانات زندگی کارگران، به تعویق افتادن حقوق ماهیانه، حذف پاداش ها و کمک های غیر نقدی، عدم پرداخت کارانه ها - که همیشه در زندگی کارگران و معیشت آن ها تاثیری به سزا داشت - و حتی شایعه ی حذف کارانه از سیستم پرداخت حقوق از عواملی بودند که کارگران

را به تدریج به اعتراض سوق می داد. نخستین بارقه اعتراض کارگران، با کم کاری خود را نشان داد. در اینجا لازم است سیستم پرداخت حقوق در توربین شهریار توضیح داده شود. دستمزدها در توربین شهریار، تابع سیستم پرداختی توانیر است. بدین شکل که هر سال جدول پرداختی مصوب اداره کار را اساس در نظر می گیرند و مبلغی را که بطور معمول توانیر تعیین می کند به آن اضافه می کنند و این، دستمزد پرسنل شرکت را تعیین می کند. در کنار حقوق، هر ماه مبلغی نیز تحت عنوان کارانه به پرسنل پرداخت می گردد که تابعی از میزان تولید در آن ماه می باشد و معمولاً "میزان آن در اختیار سرپرست هر واحد است. کارانه بطور معمول عاملی در جهت به انقیاد کشیدن و مطیع کردن هر چه بیشتر کارگران است. کارگری که به شرایط کارش اعتراض کند و یا در طول ماه به هر علتی غیبت داشته باشد و یا حتی رابطه ی شخصی اش با سرپرست و مدیر قسمت خوب نباشد، از دریافت کارانه محروم خواهد بود.

اولین اعتراض کارگری در شرکت، به شکل رسمی به بهار سال ۸۹ و در اعتراض به کیفیت غذا بر می گردد. بخش عمده ای از کارگران به هنگام ناهار از ورود به ناهار خوری شرکت خودداری کردند. کارگران شیفت شب نیز از خوردن شام امتناع نمودند. روز بعد دامنه ی اعتراض وسیع تر شد. کارگران در محل نمازخانه ی شرکت جلوی ورود مدیرعامل به نماز خانه را گرفتند. درخواست آن ها پیگیری و رسیدگی به موضوع حقوق های معوقه و نیز کیفیت بد غذا بود. ترس از همه گیر شدن اعتراض سبب شد تا فردای روز اعتراض، وضعیت ناهار بهبود یافته و حقوق ماه قبل و یکی از کارانه های معوقه نیز پرداخت گردد.

برای اولین بار کارگران توربین شهریار با اعتراضی کوتاه مدت به خواسته های خود رسیدند. شاید بتوان گفت که نطفه ی اعتراضات بعدی در همین جا و با همین اعتراض کوچک و کوتاه بسته شد. کارگران دریافتند که با همبستگی و طرح مطالبات به صورت دسته جمعی قادر به تحمیل خواسته های خود به کارفرما هستند.

دومین اعتراض کارگران، باز هم به وضعیت نا به سامان مالی و عدم پرداخت به موقع دستمزد ها بود. کارگران چند ساعتی دست از کار کشیدند و بعد از ظهر همان روز در مقابل ساختمان اداری دست به تجمع زدند. در ابتدا تجمع با سکوت همراه بود و در ادامه کارگران شروع به الله اکبر گفتن و فرستادن صلوات با صدای بلند کردند که به نوعی نشانه ی اعتراض بود.

مدیر عامل، با حضور در بین کارگران قول داد که بخشی از دستمزد های معوقه را پرداخت کند. فردای آن روز کارگران مثل روزهای قبل وارد کارگاه ها شده و در قسمت های کاری خود مستقر شدند، ولی هیچ کس لباس کار نپوشید. این اولین بار بود که کارگران این گونه و به طریقی کاملاً تعرضی نسبت به وضعیت موجود خود (در قالب دست از کار کشیدن؛ اعتصاب) اعتراض می کردند.

چند ساعت بعد از آغاز ساعت کاری مسئول حراست شرکت وارد کارگاه ها شد و با دوربین موبایل شروع به فیلمبرداری از کارگران اعتصابی و دستگاه های خاموش کرد. کارگران بی هیچ هراسی، به اعتصاب خود ادامه دادند. ساعتی بعد، معاون اول مدیرعامل با نیت مذاکره با نمایندگان کارگران بخش های مختلف، وارد کارگاه ها شد و با آن ها شروع به صحبت کرد. اعتصاب

علیرغم قول و قرارهایی که در خصوص پراخت معوقه ها و مشخصا مبلغ عیدی سال گذشته داده شد، ادامه یافت. در پایان ساعت کاری، اطلاعیه ای در قسمت های مختلف شرکت پخش شد که اعلام می کرد روز بعد در ناهارخوری شرکت، مدیر عامل سخنرانی خواهد کرد و در خصوص وضعیت مالی شرکت جلسه ی پرسش و پاسخ برگزار خواهد شد. در روز مزبور، مدیر عامل گزارشی از وضعیت مالی شرکت ارائه داد و همچون تمامی مدیران سرمایه بر این امر پافشاری کرد که می بایست تولید افزایش و هزینه ها کاهش یابد و بدیهی است منظور از کاهش هزینه ها محدود نمودن امکانات معیشتی کارگران بود.

در همان هفته، مانده ی طلب کارگران بابت عیدی و پاداش پایان سال پرداخت شد. وضعیت بهار بهتر بود و چند نوبت کارانه ی معوقه به کارگران پرداخت شد. حول همین اعتراضات، بازار شایعه هایی بالا گرفت که قرار است، اولادی به علت عدم توانایی در کنترل وضعیت شرکت (از نظر جلوگیری از اعتراضات کارگری) به زودی از مدیر عاملی برکنار شود و همین گونه هم شد.

زمستان ۹۱، اولادی برکنار شد و فرد دیگری به نام صالحی به عنوان سومین مدیرعامل شرکت دوران مدیریتی خود را شروع کرد که آمدنش سرآغاز اعتراضات کارگران به شکلی جدید و کاملاً متفاوت با گذشته بود. صالحی به سان اولادی از قبل در نیروگاه کار کرده و رییس نیروگاه رامین اهواز بود. او اعتقاد داشت به جای کاهش هزینه ها می بایست تولید را بالا برد. مخالفت با کاهش هزینه ها از سوی وی بالطبع مخالفت با کاهش

امکانات و پاداش های خود و مدیران طراز اول شرکت بود. بار افزایش تولید اضافی تنها روی دوش کارگران قرار می گرفت. این قانون سرمایه است که کارگران تنها در بدبختی های شرکت ها و کارخانه ها و ضرر و زیان آنها شریکند. سود، پاداش و امکانات تنها از آن مدیران سرمایه است. صدور مجوز و موافقت با ماموریت های پیاپی به خارج از کشور برای خود و مدیرانش از جمله تصمیمات همان روز های اول کار صالحی بود.

کارگران از شرایط بد معیشتی و عدم امنیت شغلی به تنگ آمده بودند و راه چاره را در ایستادگی جلوی عوامل سرمایه می دانستند، در این رابطه تغییر مدیر عامل کارساز نشد.

در اردیبهشت ۹۱، شروع مدیریت صالحی با اعتصابی از سوی کارگران مصادف شد. کارگران در اعتراض به حقوق ها و کارانه های معوقه دست از کار کشیدند. روز بعد از شروع اعتصاب، جلسه ی مجمع عمومی صاحبان سهام در دفتر مدیر عامل جدید برگزار شد و کارگران از قبل با علم به این موضوع در مقابل ساختمان مدیریت اجتماع کردند. در ابتدا با سکوت و سپس با صلوات و کم کم با شعار علیه مدیریت و درخواست استعفای وی اعتراض ادامه یافت. جلسه ی مجمع عمومی مدیران، ناتمام ماند. تعدادی از آن ها به میان کارگران آمدند و قول دادند که به شرایط شرکت رسیدگی خواهند کرد. مدیر عامل نیز در پایان ساعت اداری به میان کارگران آمد و عنوان کرد که چون به تازگی به این سمت منصوب شده فعلا قادر به انجام هیچ کاری برای کارگران نخواهد بود ولی در آینده به حل مشکلات معیشتی کارگران امیدوار است. اعتصاب روز بعد نیز ادامه یافت. در روز سوم

رفت و آمدهای مکرر در دفتر مدیریت شرکت و هراس از انتشار بیشتر اخبار اعتراض کارگران که تا حدی رسانه ای شده بود مدیریت را مجبور کرد تا بخش عمده ای از دستمزدهای معوقه و کارانه های ماه های قبل را پرداخت نماید. از ویژگی های برجسته ی این اعتراض کوتاه اما موثر در این دوره همبستگی کارگران خطوط تولید و پرسنل قسمت اداری و نیز سرپرستان برخی واحد ها با یکدیگر بود. در این اعتراض می توان به جرات گفت که بخش عمده ای از پرسنل شرکت را می شد در تجمع ساختمان اداری از کارگران تا مهندسان و حتی سرپرستان برخی قسمت ها دید. تا مدت ها بعد از این اعتراض حراست شرکت این موضوع را در قسمتهای مختلف پیگیری می کرد و روی این مسئله انگشت می گذاشت که کارگران خط تولید در سایه ی حمایت سایر قسمت ها بود که به اصطلاح، "شیر" شده بودند و جلوی اعضای هیئت مدیره را گرفتند.

همبستگی و اتحاد کارگران کار خود را کرده بود، حال حراست مستاصل از جواب گویی به بالا دستان خود به دنبال عاملین اتحاد در بخشهای مختلف کارگران می گشت.

شرکت در حالی وارد سال ۹۱ شد که اساسا وضعیت خوبی نداشت. درست مانند بیماری بدحال که فقط برای کاهش دردهایش هر از گاهی مسکنی به آن تزریق می شد ولی عملا اقدامی جهت بهبود شرایطش به عمل نمی آمد و کم کم به حال کما می رفت. علیرغم کار کارگران و تلاش بخشی از پرسنل اداری برای خروج از این بحران عملا تغییری در وضع شرکت پدید نیامد. سر رسید وام هایی که به نام خرید مواد اولیه و لوازم یدکی خطوط تولید از

بانکهای مختلف اخذ شده بود، فرا رسیده بود. وام هایی که بخش عمده ی آن هرگز معلوم نشد کجا و چگونه هزینه شدند. بهره های سنگین این وام ها، کاهش ذخیره ی مواد اولیه در انبار شرکت، افزایش نرخ ارز و تشدید تحریم ها که امکان تامین مواد اولیه و لوازم یدکی را سخت تر از گذشته می کرد، وضعیتی را به وجود آوردند که شرکت را به انبار باروتی تبدیل کرده بود و انتظار هر واکنشی از طرف کارگران می رفت. با آوردن صالحی، طبق روال سالیان گذشته قول و قرار ها از سر گرفته شد. قول پرداخت حقوق های معوقه، افزایش دستمزد ها در قالب افزایش حق جذب و کارانه، پرداخت های غیر نقدی، افزایش مبلغ حق مسکن و ...

بر خلاف اولادی، سیاست صالحی در به اصطلاح تغییر وضعیت شرکت و به تبع آن (فرب) بهبود زندگی کارگران، نه در کاهش هزینه ها بلکه در افزایش تولید از طریق تشدید کار در جهت تولید ارزش اضافی بیشتر، تا حد سه برابر زمان اولادی بود.

در شرکت توربین شهریار شاخصی به نام "معادل ست" جهت نشان دادن میزان تولید وجود دارد که معرف میزان تولید و خروجی کار از شرکت است. این شاخص در زمان اولادی برابر میانگین ماهانه ۲۰ معادل ست بود. در دوران مدیریت جدید طی چند ماه پیاپی، تولید، معادل ۶۰ ست پره در ماه برقرار بود. کارگران که از شرایط زمان اولادی به ستوه آمده بودند، تنها راه بهبود شرایط معیشت شان را در افزایش تولید و باور به قول و قرارهای مدیر جدید یافتند. در زمستان ۹۱، شرکت رکورد تولید خود را شکست. حجم

تولید و خروجی قطعات بازسازی شده در تاریخ توربین شهریار بی سابقه بود اما هیچ تاثیری بر زندگی و بهبود شرایط کارگران نداشت.

کارگران شریک روز های بحران و بدبختی شرکت بودند، در زمان بحران هزینه های بحران و پائین آمدن نرخ سود از جیب های خالی کارگران است که جبران می شود، اما در مقاطعی که اوضاع نسبتا خوب می شود و به اصطلاح در روز های خوشی، کارگران فراموش می شوند. پاداش های قابل توجهی به مدیران ارشد پرداخت شد و برای کارگران تنها وعده و وعید هایی مبنی بر بهبود اوضاع و قول پرداخت دستمزد بیشتر و کارانه های به موقع باقی ماند. با این شرایط شرکت وارد سال ۹۲ شد. شاید بتوان گفت تنها تفاوت سال ۹۲ با سال های گذشته پرداخت به موقع عیدی و پاداش پایان سال ۹۱ کارگران بود.

ماه های اردیبهشت و خرداد ۹۲ شروع دوران جدید بحران های مالی شرکت بود. پرونده ی وام های اخذ شده در رابطه با تامین و خرید مواد اولیه به دلیل عدم پرداخت اقساط به دوایر حقوقی بانک های ذیربط ارجاع شده بود، پرداخت کارانه ها مجددا قطع شد. سوالی دهان به دهان در میان کارگران می چرخید. با این همه تولید و حجم خروجی کار در پایان سال، پس چرا وضعیت آنان تغییری نکرد؟ اواخر خرداد زمزمه هایی در شرکت پیچید که کارگران با حداقل توان مشغول تولید هستند. آمار و ارقام نشان دهنده ی کاهش مجدد تولید بود. مدیریت، حسب معمول تصمیم گیری مدیران سرمایه، راه حل را در اخراج و به اصطلاح کوچک کردن مجموعه دید. اخراج کارگران قرارداد موقت شروع شد. بحث واگذاری شرکت و انتقال سهام به

شرکت هایی نظیر گروه مپنا مجدداً اوج گرفت. این مقطع طولی نکشید تا اینکه روز دوم تیر ماه ۹۲ کارگران رسماً دست از کار کشیدند. شاید خوش بین ترین آن ها هم فکر نمی کرد این دست از کار کشیدن شروع اعتصابی یک ماهه باشد که خبر آن در تمامی نهاد های وابسته به وزارت نیرو و تمام سطح شهر کرج پخش شود و به نوعی شاید بتوان گفت اعتراضی بدین شکل و با این سطح مطالبات، طی حداقل ده ساله ی اخیر، در سطح وزارت نیرو و زیر مجموعه های آن بی نظیر بود. اعتصابی که ماحصل تجربه ی اعتراضات گذشته و همبستگی بین تمامی کارگران اعم از اخراجی، قرارداد موقت و قرارداد دائم بود. بالاترین سطوح مدیریتی در توانیر و نیز استان البرز در جریان این اعتراض قرار گرفتند و تمام نیروی خود را در جهت خاموش کردن این اعتراض به کار گرفتند. ترس مدیران وزارت نیرو و نیز مسئولین امنیتی استان البرز، از انتقال و تسری این اعتصاب به شرکت های همجوار بود. شرکتی با ۲۵۰ کارگر، مدیران حافظ امنیت سرمایه را به تکاپو می اندازد، حال اگر کلیه ی کارگران صنایع نیروگاهی به این حرکت می پیوستند چه می شد. این حکایت جنبش کارگری است که متأسفانه کمتر به ابعاد آن توجه می کنیم.

همانگونه که در مقدمه ی این نوشتار گفته شد، قطعات توربین شهریار در منطقه ای صنعتی واقع شده که مجموعه ای از شرکت های زیر مجموعه ی مپنا در این منطقه قرار دارند. این موضوع در ابتدا برای کارگران این امید را به وجود آورد که در روز های بعدی اعتصاب، کارگران سایر شرکت ها نیز به آنان می پیوندند و یا حداقل به شکلی حمایت خود را از آن ها اعلام خواهند کرد که این امر علیرغم اطلاع کارگران سایر شرکت ها از این اعتصاب محقق

نشد. سرویس های ایاب و ذهاب بعضاً" با برخی شرکت های دیگر مشترک است و سرویس های دیگر شرکت ها نیز از جلو درب قطعات توربین شهریار می گذرند و همین امر باعث شده بود که کارگران دیگر شرکت ها هم بطور دقیق در جریان جزئیات مرحله به مرحله ی اعتصاب قرار گیرند.

پس از گذشت چند روز از اعتصاب چند تن از کارگران اخراجی به همراه خانواده هایشان جلو درب شرکت تجمع کردند. اوج همبستگی کارگری در مقابله با تعرض به زندگی کارگران در این روز خود را نشان داد. تعداد زیادی از کارگران شاغل در همسوئی با کارگران اخراجی راه را بر مدیران بستند و از ورود آن ها به داخل شرکت جلوگیری کردند. جالب آنکه آگاهانه کسانی را که در اخراج کارگران نقش داشتند با آن تعداد از مدیران که عملاً در جریانات چند ماهه ی گذشته شرکت منفعّل بودند، تفکیک نموده و به بقیه اجازه ی ورود می دادند. این عمل کارگران به این معنا بود که به مدیران سرمایه نشان دهند که با دقت کامل اعمال و رفتار آن ها را تحت نظر دارند و همین امر نیز رعب و وحشتی به دل آن ها انداخته بود. مدیر عامل در ابتدا تصور می کرد که اعتصاب ظرف چند روز به پایان می رسد و آن را جدی نگرفت. اما هفته ی اول که سپری شد و اخبار اعتصاب در تمام منطقه ی فردیس، ملارد و حتی کرج منعکس شد، مدیر عامل حاضر به مذاکره با شورای کار به عنوان نماینده کارگران شد. طی جلسات متعدد برگزار شده، در نهایت صورت جلسه ای ۳ بندی تنظیم شد. مقرر گردید که نمایندگان کارگران و مدیرعامل و شخص ثالثی که به عنوان نماینده از سوی رئیس هیئت مدیره انتخاب شده بود، ذیل صورت جلسه را امضا نمایند تا بعد از تصویب به اجرا در آید. مفاد این صورت جلسه بدین صورت بود که قرارداد

تمامی کارگران قرارداد موقت می بایست تا پایان سال ۹۲ تمدید گردد، حقوق و پاداش های معوقه بلافاصله پرداخت شده و یا حداکثر ظرف یک ماه با کارگران تسویه گردد. مهم ترین بند این صورت جلسه این بود که مدیرعامل بدون نظر و تأیید کمیته انضباطی که نماینده ای از کارگران در این کمیته حضور داشته باشد حق اخراج هیچ یک از کارکنان را ندارد. مدیریت، بندهای اول و دوم را پذیرفت و در لحظات آخر از پذیرش بند سوم سر باز زد. اعتصاب ادامه یافت. گروهی از کارگران به همراه شورای کار که از دستیابی به توافق با مدیرعامل ناامید شده بودند، به پیشنهاد تمامی کارگران با رئیس هیئت مدیره که به تازگی به این سمت منصوب شده بود دیدار کردند. رئیس هیئت مدیره پس از شنیدن گزارشی از وضعیت گذشته و حال شرکت، تمامی شروط کارگران را پذیرفت. در این فاصله رفت و آمد از سوی نهادهای امنیتی استان البرز و نیز نمایندگان اداره کار به شرکت به اوج خود رسیده بود. مدیریت کاملاً تحت فشار قرار گرفته بود. از سویی مسئولین امنیتی استان از ترس انتشار این وضعیت به شرکت های مجاور، خواهان حل و فصل سریع موضوع بودند. از سوی دیگر توانیر و نیروگاه هایی که قطعات آنها جهت بازسازی و تعمیر در خطوط تولید قطعات توربین شهریار معطل مانده بود، درخواست عودت سریع سفارشات خود را داشتند. کارگران در این مرحله نیز با عزمی جزم به ادامه اعتصابات تا حصول مطالبات خود پای می فشردند. در اینجا ذکر نکته ای ضروری است که هرچند تجربه تازه ای نیست ولی طرح و یادآوری آن لازم است. در دوران اعتصاب یک ماهه کارگران قطعات توربین شهریار، برخی نهادها و شرکت های خارج از مجموعه که به نوعی درگیر مسائل این شرکت شده بودند، از اعتراض کارگران حمایت می

کردند. این حمایت ها از جنس حمایت های کارگری و درک مشکلات آنها نبوده و نیست و شاید در مقاطع کوتاهی کمکی به بهبود شرایط کارگران کند اما در نهایت، مسئله اصلی آنها را حل نخواهد کرد. بدیهی است شرکت قطعات توربین شهریار و شرکت هایی از این دست به جهت دانش کارگران، فناوری مدرنی که در اختیار این شرکت است و به نوعی انحصاری بودن فعالیت آن دارای سودآوری بسیار بالایی می باشد. و مسلماً، این سود برای کارگران نخواهد بود. آنها در این سود شریک نیستند اما بخش های دیگری از سرمایه داری ایران می تواند در این میان سهم خواهی کند همچنان که بسیاری از سازمان های نظامی که در قالب شرکت های صنعتی فعالیت دارند نظیر قرارگاه خاتم و یا گروه مپنا برای خرید سهام شرکت و تملک آن در رقابتند. طبیعی است که این بخش ها بخواهند از اعتراضات کارگری که در راستای برقراری شرایطی انسانی برای خود و خانواده شان است، سوء استفاده کرده و به حمایت از آن ها برخیزند. حمایت رئیس هیئت مدیره، قول مساعد حفاظت اطلاعات سپاه ناحیه کرج جهت بررسی وضعیت کارگران در شرکت و تلاش گروه مپنا در جهت تملک کامل شرکت از این دست حمایت ها هستند. در نهایت اعتصاب تا ۲۹ روز ادامه یافت. روز سی ام اعتصاب مصادف با سی و یکم تیرماه سال جاری بود. پس از این که احکام اداری کارگران قرارداد موقت تا پایان سال تمدید شد و نسخ امضا شده آنها به رؤیت کارگران رسید، با حضور رئیس هیئت مدیره در جمع کارگران و تعهد به اینکه حداقل تا پایان سال هیچ کس اخراج نخواهد شد، کارگران شروع به کار کردند.

سکوت یک ماهه که سراسر کارگاه های شرکت را فرا گرفته بود، کم کم شکسته شد و دستگاه ها پس از یک ماه بدون کار مطلق شروع به کار کردند و بار دیگر کار شروع شد اما شرایط تغییر کرده بود.

این بار کارگران اعتماد به نفس پیدا کرده بودند، می دانستند که اگر مطالباتشان را پیگیری کنند و همبسته باشند، درد مشترک کارگر اخراجی و شاغل را دریابند، بر خواست هایشان پای بفرسند، می توانند مدیریت و عوامل سرمایه را به عقب برانند و آنان را وادار به تمکین در مقابل خواسته هایشان کنند. در اعتصاب یک ماهه کار تا بدانجا پیش رفت که مدیریت شرکت با حذف موقت و کنار گذاشتن دو تن از مدیران ارشد مجموعه (معاون مالی و مدیر حراست) که به زعم کارگران در اخراج ها نقش موثری داشتند موافقت کند و برای مدتی هر دو تن را کنار گذارد. اوج قدرت کارگران در اعتصاب این دوره همبستگی بین کارگران اخراجی و شاغل و حمایت بیدریغ کارگران شاغل از اخراجی ها بود. یکی از اساسی ترین مطالبات کارگران در همه مراحل و طی تمامی صورت جلسات تنظیمی بازگشت کارگران اخراجی سر کار هایشان بود. کارگران اخراجی نیز به درستی و به تمامی حق این حمایت را پاس داشتند. مراجعات مکرر به نهادهای مختلف در سطح کرج، طرح مطالبات خود و همکاران شاغلشان و بازگویی کلیات هر آنچه طی این مدت گذشت در قسمت های مختلف شهر بخشی از فعالیت های آنان بود. یکی از کارگران اخراجی مصاحبه ای با روزنامه تهران امروز انجام داده بود که به دقت و درستی وقایع این یک ماه را بیان می کرد. مدیریت بلافاصله مطالب روزنامه را که به طور وسیع در سطح شرکت توزیع شده بود، تکذیب کرد. این همبستگی و درک و فهم از درد مشترک بین کارگران اعم از

شاغل و اخراجی را شاید بتوان اصلی ترین عامل موفقیت کارگران قطعات توربین و دستیابی به مطالباتشان نامید. کارگران به سر کار خود بازگشتند ولی این پیام را به صراحت به سایر همکاران و هم سرنوشتان خود رساندند: " هر جا که همبسته ایم و با آگاهی از درد مشترکمان بر مطالبات انسانی امان پای می فشاریم می توانیم جلو سرمایه داران و عوامل شان بایستیم."

هم سرنوشتان در قطعات توربین شهریار:

دوستان عزیز، پایداری و همبستگی شما در اعتراضات چند سال اخیر و به ویژه در اعتصاب سال جاری، قابل ستایش است. بدون آن که بخواهیم بزرگ نمایی کنیم، بدون آن که قهرمان سازی کنیم، به حق باید به پایمردیتان، به شرفتان درود فرستاد. بی آن که حمایتی چشمگیر از جایی و یا نگاهی به بالادستی ها نظیر اداره ی کار، خانه ی کارگر و دیگر نهاد های حکومتی داشته باشید و با آن که خطر اخراج از همه سو تهدیدتان می کرد، تنها با اتکا به نیروی خود و قدرت همبستگی تان تا به آخر ایستادید. به بخشی از مطالبات خود رسیدید و باز به موقع با درک شرایط و آگاهانه و با تجربه از اعتراضات گذشته خود و سایر همکارانتان در بخش های دیگر کارگری، به سرکار خود باز گشتید.

حفظ و نگهداری و پاسداشت این دستاوردها هم طراز به دست آوردنشان گران بهاست. آن قدر توانمندیم که با نیروهای سرمایه که تمام ابزارهای قدرت را در اختیار دارند، مقابله کنیم و به بخشی از خواسته هایمان برسیم. اگر دیگر کارگران صنایع نیروگاهی با ما همراه می شدند، سخنی به گزافه

نخواهد بود که بگوییم می توانستیم، رسمی شدن کلیه کارگران صنعت برق، درمان رایگان، امنیت شغلی، بیمه بیکاری و مطالبات روز کارگران را به حاکمیت سرمایه تحمیل کنیم.

کارگران توربین شهريار با اتکا به نیروی خود و ایستادگی و اتحادشان، در مقابل سرمایه ایستادند و به بخشی از خواسته های خود رسیدند. این نیروی کارگری، بخش کوچکی از طبقه ی کارگر است. حال اگر بخش های دیگر طبقه ی کارگر به میدان می آمد چه وحشت و هراسی در دل حاکمان سرمایه می انداخت و بدون شک می توانستیم کلیه ی مطالباتمان را به مدیران سرمایه تحمیل کنیم. اما مبارزات کارگری که برای مطالبات در برابر سرمایه قد علم می کند، نایستی نفی نظام کار مزدی را از نظر دور دارد.

موخره

قطعات توربین شهريار یکی از شرکت هایی است که در سالهای اخیر، مبارزاتی در جهت عملی شدن مطالبات خود، از طریق چندین تجمع اعتراضی و عمدتاً در قالب اعتصاب داشته است در روند این اعتراضات و در مسیر مبارزه در همیاری و همفکری با پیشروان کارگری و با یکدیگر، می توان به وضوح افزایش همبستگی و اتحاد کارگران را به عنوان مثال در اتحاد بین کارگران رسمی و قراردادی و حمایت آنان از کارگران اخراجی دید که حتی توانسته اند با ایستادگی در بازگرداندن کارگران به سر کار نیز موفق شوند. این در حالی است که مدیر عامل شرکت قطعات توربین شهريار در مصاحبه با روزنامه ی تهران امروز در روز دوشنبه مورخ ۲۴ تیر ۹۲- کمتر از

یک هفته پیش از به بار نشستن اعتصاب و پایان آن - صراحتاً اعلام کرده بود : " کارگرانی که از این شرکت اخراج کرده ام به هیچ وجه به سر کار باز نمی گردند" اما قاطعیت این کلام به ظاهر متقن او در عمل تاب مقاومت در برابر چند روز ادامه ی اعتصاب و اتحاد و همبستگی کارگران را نیاورد. ویژگی دیگر این اعتراضات کارگری، اتکای کارگران به نیروی اتحاد خود بود. در متن همان گزارش تهران امروز و در مصاحبه با یکی از کارگران قطعات توربین شهریار به سادگی درج شده است که: " مسئولان کارخانه و استان وعده ی کار دوباره را به ما داده اند، اما به نظر غیر واقعی می رسد." کارگران این بار بر اثر تجربه ای که از مبارزات خود کسب کرده بودند، و آگاهی ای که به عنوان ابزار مبارزه کارگران در کسب آن از هر طریق ممکن می کوشند، بدون توجه به راه کارهای سرمایه داری، بدون توسل جستن به نهادهایی چون اداره کار - نهادی که قوانین سرمایه داری را در جهت تولید ارزش اضافه به کارگران تحمیل می کند - صرفاً" با اتکا به نیروی خود و اتحاد و همبستگی با یکدیگر و همچنین پافشاری بر تصمیم گیری جمعی، این پیروزی را برای خود رقم زدند و به درستی نشان دادند که آگاهی طبقاتی و اتحاد و همبستگی طبقه ی کارگر تنها در مسیر مبارزه و تلاش برای کسب آگاهی است که حاصل می شود. آنهم علیرغم شرایطی که سرمایه با تمام نهادهای وابسته اش از هیچ کوششی برای متفرق و پراکنده ساختن کارگران و ایجاد فردیت و رقابت در آن ها فرو گذار نمی کند و می کوشد به هر طریق ممکن آنان را به استیصالی بکشاند که راه چاره ی کار خود را از خود سرمایه و نهاد های وابسته به آن بخواهند. اما تضاد عینی و واقعی سرمایه و کار است که کارگران را به مبارزه می کشاند و در مسیر این مبارزه دسترسی به آگاهی

هرچه بیشتر اجتناب ناپذیر خواهد شد. در اینجا اداره ی کار و دیگر نهادهای امنیتی آنجا که مبارزات کارگران بیخ پیدا کرد، با رفت و آمدهای گاه و بیگاه برای حفاظت از مناسبات کار و سرمایه و به قصد مقابله با کارگران سر و کله شان پیدا شد. ایجاد رعب و وحشت در میان کارگران را نیز نباید نادیده گرفت. آن ها به خوبی نشان دادند که نهادهایی از نوع اداره ی کار و نیروهای امنیتی کارشان تامین شرایط مناسب برای انباشت سرمایه است. نهادهای مذهبی نیز صرفا نه برای رضای خدا بلکه برای ماندگاری سرمایه است که حکم به حرام بودن اعتصاب می دهند، چرا که منافع آنان نیز در به حرکت در آمدن چرخ بهره کشی از نیروی کار است. آنها نیز در قبال انجام وظیفه برای تحمیق کارگران در راستای ماندگاری رابطه کار و سرمایه، بخشی از محصول نیروی کار را به جیب می زنند.

بخش های دیگر کارگری نیز طی این سالها توانست با اتکا به نیروی خود در تقابل با سرمایه به بخشی از مطالبات خود برسد. دیزل خودرو در ۱۳۸۵، کارگران شیرازی و بسیاری بخش های دیگر از حلقه های جنبش کارگری از این دستند. اگر به تاریخ جنبش کارگری بر علیه سرمایه بنگریم، جنبش کارگری حتی از اولین مبارزه طبقه کارگر در قرن چهاردهم در شهر فلورانس (۱۳۸۷) نه در چارچوب سرمایه و قوانین سرمایه بلکه با اتکا به نیروی خود، علیه سرمایه ایستاده است.

اما با توجه به سطح فشارهایی که به طبقه کارگر وارد می شود، بیکاری، گرانی، عدم امنیت شغلی، گرانی دارو و درمان، این سطح از مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه هم طراز مطالبات کارگران مزدی نیست. آیا با حجم انبوه

سرمایه ای که توسط کارگران تولید می شود، باید کارگران روزگار فلاکت باری سپری کنند. حق آزادی بیان به این شدت تحت فشار حاکمیتی باشد، زندان ها مملو از زندانی سیاسی و غیره باشد، برای فشار بر زندانی از دادن ملاقات خودداری کنند، کارگر زندانی نیازمند درمان را از دوا و درمان محروم کنند. در این ساختار با نیروی کار زنده ی کارگر، که تمامی ارزش اجتماعی را تولید می کند، در خدمت مناسبات سود و انباشت سرمایه همانگونه برخورد می شود که با قطعات و پیچ و مهره ی ماشین هایی که مستهلک می شوند و به دور انداخته می شوند. یکی از کارگران اخراجی در مصاحبه ی خود با همان روزنامه نوشته است: " با توجه به سختی و آلودگی محیط کار برخی از کارگران با افت شنوایی، مشکلات ریه و ستون فقرات مواجه شده اند و برخی از کارگران از کمیسیون پزشکی نیز در این خصوص تأییدیه گرفته اند" در ادامه همین مصاحبه می بینیم حتی اداره ی کار استان البرز نیز نتوانسته است از تأیید از دست دادن شنوایی برخی کارگران بر اثر کار در همین محیط سر باز زند. اما علیرغم اینکه ۶۴۰۰۰ تومان نیز از حقوق خود کارگران برای حق بیمه کسر می گردد، مدیریت با بیان اینکه تمامی کارگران سالم هستند از پرداخت هزینه های درمان آن ها سر باز می زند. در این اعتصاب کارگران توانستند به بیمه ی تکمیلی و درمان، دست پیدا کنند. اما مطالبه ای که ما کارگران باید به طور جمعی بر سر آن ایستادگی کنیم، دستیابی کلیه ی طبقه ی کارگر اعم از کارگران بیکار، اخراجی و شاغل به درمان رایگان است و ما می توانیم با اتحاد و همبستگی خود سرمایه را در مقابل این خواست به زانو درآوریم.

شاید از گرانی، بیکاری و بسیاری محدودیت های شرایط زندگی و نبود آزادی گفتن، تکرار مکررات باشد. این در حالی است که بحران سرمایه بسیاری از کشورهای جهان را فرا گرفته است. رژیم جمهوری اسلامی که بنیادش با بحران گذاشته شده است اکنون چهار چرخش به گل نشسته است. اما بحران نیست که نظام سرمایه داری را به زانو در می آورد بلکه مبارزه ی طبقاتی کارگران است. مقابله با سرمایه و حتی گرفتن مطالبات روز کارگری یک جنبش سراسری شورایی متشکل را طلب می کند. اگرچه که کارگران قطعات توربین شهریار با پایمردی و اتحاد در این مقطع از مبارزات کارگری خوش درخشیدند، اما دستاورد این مرحله از مبارزات شرکت توربین شهریار که با یک ماه ایستادگی و اتحاد به دست آمده، شکننده است. امنیت شغلی کارگران تا سال ۹۳ است. بیمه تکمیلی که با سنبه ی پر زور کارگران حاصل شده است، نیز در معرض تهدید است و هر آن شرکت مترصد است تا از افت مبارزات کارگران سوء استفاده کرده و به این مطالبات هجوم آورد. خواست درمان رایگان مطالبه ای است که دور از دسترس نیست، اما عملی کردن آن، در گرو یک جنبش سراسری در برابر سرمایه است. رسمی شدن کلیه کارگران به نگرانی کارگران به خاطر عدم امنیت شغلی پایان می دهد. عدم وجود بیمه بیکاری، که هم اکنون دامن بخشی از طبقه کارگر را گرفته است، کارگری که به واقع گرسنگی می کشد و برای زنده ماندن به هر دری می زند و با کمترین دستمزد دست به هر کاری می زند و حتی متاسفانه بعضی از مواقع از استیصال و درماندگی تن به خودسوزی و ... می دهد .

می توانیم از مبارزات کارگران قطعات توربین شهریار درس بگیریم که رمز پیرویشان اتحاد و همبستگی بود و هر کدام از حلقه های جنبش کارگری،

کارگران بیکار، کارگران ماشین ساز، کارگران ذوب فلز، معلمان و پرستاران و ... برای ایجاد تشکل های خود در مقابل سرمایه دست به کار شویم. که این عمل بتواند در ضمن آنکه برای گرفتن مطالبات در پیکار اجتماعی طبقه کارگر دستاوردهایی در زمینه مطالبات روز ما کارگران داشته باشد، گامی بزرگ در راستای ایجاد تشکل سراسری علیه سرمایه باشد. مبارزه با گرانی، افزایش دستمزد، درمان رایگان، آزادی بدون قید و شرط، بیمه بیکاری و غیره خواست ها و مطالبات روز کارگران است. این مطالبات ملاط گره خوردن جنبش کارگری برای گرفتن خواست خود و همچنین نقطه شروع پی ریزی جنبش سراسری کارگران و چنین تشکل سراسری محکمی در مقابل سرمایه خواهد بود.

طبقه ی کارگر در تاریخ مبارزات خود نشان داده است که در مقاطعی که چنین قهرمانانه و پیشروانه عمل می کند، نه تنها به لحاظ عملی در مقابل سرمایه ایستاده است بلکه این توان را نیز داشته است که از لحاظ نظری نیز پنجه در پنجه ی تئوری های سرمایه داری بیفکند.

راه دور نرویم، مبارزات قطعات توربین شهریار می تواند تجربه ی خوبی برای کارگران بخش صنعت برق باشد که گفته می شود ۸۰٪ شرکت هایی که در صنایع نیروگاهی کار می کنند در همین بلوار مینا در همسایگی قطعات توربین شهریار قرار دارند. سرمایه با برنامه ریزی، از دامن زدن به تفرقه و پراکندگی جنبش کارگری بهره گیری می کند. در هر مقطعی بخشی از جنبش کارگری را مورد هجوم قرار می دهد. دور از ذهن نیست اگر بگوییم، که چنانچه در مقابله با قطعات توربین شهریار سرمایه پیروز شده بود قرعه ی

فال به نام یکی از شرکت های مپنا می افتاد تا به آن هجوم آورد، چرا که بطور مکرر از تعدیل نیرو در صنایع نیروگاهی صحبت شده است. قبل از اینکه سرمایه برای هجوم به ما و اخراج بخشی از کارگران دست به کار شود، با اتحاد حول مطالبات روز جنبش کارگری سنگ بنای جنبش کارگری را از شرکت های نیروگاهی شروع کنیم. از کارگران بیکار و اخراجی شروع کنیم. هر بخش از جنبش کارگری کم و بیش مطالبات روزش همان هایی است که در فوق به آن اشاره کردیم.

نظام سرمایه، از قبل بهره کشی از نیروی کارگران چنان انباشتی کرده است که هر کدام از انسان های کره زمین می توانند از زندگی ای در حد سرانه پیشرفته ترین کشورها برخوردار باشد. اما مناسبات کارمزدی بطور خود به خودی فرو نمی ریزد بلکه پیکار اجتماعی کارگران آگاه و متحد بر علیه سرمایه را طلب می کند.

ماجرای اخراج کارگران فردیس

۴۲ کارگر در شرکت قطعات توربین فردیس تعدیل شدند



■ ضعف مدیریت علت تعدیل نیرو

این کارگر فردیسی بایان اینکه ضعف مدیریتی علت تعدیل نیرو بوده است، اضافه کرد: نیروی های حاضر این شرکت هم اکنون اخراج شده اند و کار به پیمانکاری سپرده شده که کارگران آن مهارت ندارند و همین امر سبب آسیب رسیدن به دستگاه های شرکت شده و این امر ضرر به اموال دولتی است. وی تصریح کرد: آقای قهقاری بازرگانه کار استان البرز نیز از شرایط و وضعیت شرکت بازدید کردند و از طرفی مسئولان قول رسیدگی به این وضعیت را دادند.

وی گفت: با معاونت وزیر نیرو و جلسه ای برگزار شد و به ما وعده داده شد که در نیروگاه های دیگر توابع مشغول به کار شویم و این امر سرتجسه شد.

مدیرعامل شرکت قطعات توربین شهریار در گفت و گو با تهران امروز، گفت: کارگرانی که از کارخانه اخراج گردام به هیچ وجه به کار در این شرکت باز نمی گردند. عین الله صالحی با اشاره به اینکه بنده از برج بهمن ماه سال ۹۰ در این شرکت مشغول به کار شده ام، افزود: زمانی که شرکت تحویل بنده شد موافقت بیمه و خیلی از مطالبات کارگران بر زمین مانده بود اما هم اکنون شرایط بهتر شده است و در آن زمان مواد اولیه وجود نداشت و تولیدی کار سر به سر بوده بود و کارگران در آن زمان ۱۲

سر کار باز نمی گردند، اضافه کرد: در حال حاضر شرکت از کارگران حمایت نمی کند، از پرسنل مبلغ ۶۴ هزار تومان برای بیمه دریافت کرده اند تا اگر در مواقعی کارگری شتابی خود را از دست داد، بیمه پرداخت کند ولی شرکت زیر بار آن نمی رود و می گوید همه کارگران سالم هستند، در صورتی که بازرگانه کار استان البرز بیماری برخی کارگران را تایید می کند که در این شرکت مریض شده اند.

■ شرایط کار سخت تر شده است

وی با اشاره به اینکه این شرکت زیر گروه وزارت نیرو است و به هیچ وجه خصوصی نیست، تصریح کرد: این شرکت به رغم کار زیاد، سوآوری بسیار بالایی نیز دارد و قلب نیروگاه ایران است و کارگران این شرکت در ماه های گذشته ۴۰ ساعت کار کرده اند اما تحریک ها سبب شده تا کارگران به ۶۰ ساعت کاری تبدیل شود و شرایط کار برای کارگران به مرور زمان سخت تر شده است. وی افزود: در حال حاضر بیمه کارگران این شرکت قطع شده است به دلیل اینکه شرکت قطعات توربین شهریار به بیمه بهداشت کارگران سرورنی که از کارگران حق بیمه کسر می شود اما خدمات صحیح بیمه به کارگران اعطای نمی شود. وی گفت: مدت زمان قرارداد برخی از کارگران دقیقاً به

پایان پویامهر، شرکت شهریار در شهرستان باغشیر شمالی نیروگاه واقع شده است. این مدت سال اخیر چندین بار خود را همانند دیگر واقع در شهر کهای سف از جمله سیعین ده است. تعدیل نیرو و مختلف ملی سال های بیمی تعدیل شده است. از همچنان به چنین نگرداند و نسبت به بستن کارگرانی که با می کنند و همیشه باید شدن را داشته باشند و ملی به امری طبیبی در تعدیل شده است. این امر مختلف نیز به همین استان نونه ای از این که ۵۰ درصد تعدیل کارخانه های آن بوده است دارد که استان و مانند البرز، شهریار یا دیگری تهران هستند و مختلفی روبرو هستند و ملی نیرو در کارخانه های نیرو هستیم و برخی به دلیل نبود توجه بیست شده اند. یکی از قطعات توربین شهریار تهران امروز، گفت: ملی این شرکت بیش از ۴۲ نفر است. تعدیل مختلف تعدیل هفته گذشته که به این بیمه و خانواده هایمان نیز در مسئولان کارخانه و دوباره رابه ما دادند اما می رسد. وی افزود: کمی و سختی محیط کارگران با افت شدیدی و مستون فقرات مواجه